



۲۰۱۶/۰۸/۱۴



م. اسحاق نگارگر

ریفورم های که زنان میتوانند قاطعانه برایش مبارزه نمایند و از دیدگاه اسلام هیچ مانعی برای آن وجود ندارد

دنیای که برای اسلام میراث مانده بود دنیایی بود که در آن تعدد زوجات بدون حد و حصر وجود داشت. دختران زنده به گور می شدند. جنگ های قبیله ای بیداد میکرد و زنان قربانی مصیبت های گوناگون بودند و برای این مصیبت ها به بد داده می شدند و دختران یتیم برای غصب میراث شان قبل از بلوغ و بدون رضای شان به شوهر داده می شدند. اسلام تا بدانجا که مزاج جامعه قبیله ای می پذیرفت در زندگی زنان تغییر آورد و برخی از پدیده های مسلط بر زندگانی



زنان را از حالت حکم به جواز تعدیل و آنرا تابع حالات و شرایط نمود.

هنگامی که هند از تصرف شاهان مسلمان بیرون آمد و امپراتوری برتانیه آنرا اشغال نمود و قوانین برتانیه بر آن کشور حاکم گردید؛ شاه ولی الله محدث دهلوی و محمد اقبال لاهوری شاعر معروف به فکر ریفورم در فقه حنفی و برخورد عنعنیه با موضوع زنان افتادند. در هند زنان مسلمان از ظلم و زورگویی شوهران ظالم و ناسازگار به محاکم برتانوی در هند رجوع می کردند و برای گریز از شوهر می گفتند که از اسلام تبرا (بیزار) هستم و مسیحیت را به عنوان دین خود پذیرفته اند.

اقبال در این مورد به فقیه بزرگ اسپانیه امام ابراهیم بن موسی بن محمد الشاطبی استناد می کند که می گفت: دین پنج هدف مشخص دارد و آن محافظت و نگهداری پنج چیز است: دین، نفس، عقل، مال و نسل. "اقبال استدلال می کرد که اگر وضع ادامه یابد و زنان مجبور شوند که به محاکم انگلیسی مراجعه و از استبداد شوهران ظالم از اسلام به کفر پناه ببرند دین، نفس و نسل هر سه در خطر می افتد.

اقبال در این مورد می گوید: "با در نظر گرفتن آنچه او (امام الشاطبی) می گوید میتوان پرسید که آیا مقررۀ مربوط به ارتداد می تواند نگاهدار منفعتهای ایمان در این کشور (هند) باشد؟ به دلیل محافظه کاری افراطی مسلمانان هند قاضیان هندی به همان آثار معیاری به وجود آمده در گذشته چسبیده اند. نتیجه این می شود که مردم جلو می روند و قانون بی حرکت می ماند. (اقبال تجدید ساخت اجتهاد ص ۱۶۹)

حالا ببینیم که نظر فقه حنفی در بارۀ خروج شوهر و زن از اسلام چیست؟
"اگر شوهر ارتداد ورزد و از دین خروج نماید زنش فوراً از او جدا می شود برای اینکه مرد کافر به هیچ صورت نمی تواند زن مسلمان را در تصرف داشته باشد. آنان بدون کدام تعامل قضایی از هم جدا می شوند.

برعکس اگر زن ارتداد بجوید فقیهان حنفی در جزئیات باهم اختلاف دارند اما سه نظر عمده به طور مشخص وجود دارد.

نظر اول: ارتداد زن ازدواج را منحل نمی کند. زن مجازات بدنی می شود. به اساس وضعیتی که در آن قرار دارند زندانی می شود تا توبه کند و به اسلام باز گردد و یا در زندان بمیرد. اگر به اسلام باز گردد برایش اجازه داده نمی شود که جز شوهر خود با دیگری ازدواج کند. در صورت ازدواج با شوهر قبلی نیز از مهرش کاسته می شود.

نظر دوم: اگر زن ارتداد ورزد ازدواج منحل نمی شود مخصوصاً اگر او برای گریز از شوهر ارتداد ورزیده باشد. این نظر فقیهان بلخ است که در هندوستان طبق آن عمل می شد و قاضی نمی توانست از این طرز العمل تخلف ورزد. نظر سوم: زنی که مرتکب ارتداد شود به کنیزی بدل می شود که ملکیت مسلمانان است. شوهرش او را از فرمانروای جامعه اسلامی باز می خرد و شوهرش حق دارد که او را بدون مزد به هر کاری وادارد. او آزاد شده نمی تواند تا وقتی که شوهرش او را آزاد نکند. حتی اگر او به اسلام هم باز گردد آزاد نمی شود. (اقبال همان کتاب)

متأسفانه در شرایط امروز یکی از این نظرها هم قابل تطبیق نیست. بدین دلیل که برای زن مسلمان هیچ حقی را برای انحلال ازدواج باقی نمی گذارد و او را مجبور می سازد که از اسلام تبرا جوید. از سوی دیگر در این عصر نظام بردگی عملاً وجود ندارد و هیچ انسان نمی تواند انسان دیگر را برده بسازد. نتیجه اینکه اسلام دینی نیست که منطبق بر یک وضع جدید نتواند قوانین تازه وضع کند. اقبال و همفکرانش دیده بودند که وقتی اسپانیه از دست مسلمانان بیرون آمد و به دست عیسویان کاتولیک افتاد؛ آنان به مسلمانان اجازه وضو کردن و نماز خواندن نمی دادند. مفتی اورهان یکی از فقیهان الجزایری فتوی داد که مسلمانان می توانند در برابر یک دیوار خشک بایستند و تیمم بزنند و نمازهای پنجگانه را که به حکم قرآن کریم فرض های موقوت استند که وقت در آن باید رعایت شود تنها شبها و دور از چشم شکنجه گران کاتولیک بخوانند.

نمی خواهم که از موضوع دور بیفتم. زنان در صدر اسلام هرگز عناصر غیر فعال نبوده اند که به اصطلاح فاقد هرگونه تحرک و عمل اجتماعی در خانه بنشینند و حتی برای خرید ضروریات خانه منتظر یک محرم شرعی بنشینند. حدیث ۱۲۴۴ صحیح بخاری (کتاب الجهاد) به ما خبر می دهد که: "أم سُلَیْطِ یَکِی از زنان انصار مشک آب بر شانه داشت و برای غازیان در جنگ اُخْد آب میداد."

حدیث ۱۲۴۵ صحیح بخاری (کتاب الجهاد) از قول رُبَیْعَه بنت مُعَوِذ (رض) گفت: "ما در جهاد با رسول (ص) شرکت می کردیم، برای مردم آب می دادیم و زخمیان و گشتگان را از میدان جنگ به مدینه انتقال می دادیم."

"در جنگ اُخْد حضرت فاطمة الزهرا حضور داشت. دسته ای نی آورد، آتش زد و خاکستر آن بر زخم های پیامبر(ص) گذاشت تا خون بند آمد (الکامل فی التاریخ ابن اثیر ج ۳ ص ۹۹۳)

شبلی نعمانی و سید سلیمان ندوی در کتاب فروغ جاویدان نقل می کنند که در غزوه خیبر تعدادی از زنان با میل خود شرکت کرده بودند. وقتی رسول اکرم (ص) مطلع شدند آنها را خواندند و با لهجه تند فرمودند: "شما همراه با چه کسی و به اجازه چه شخصی آمده اید؟" آنان عرض کردند: "ما برای این آمده ایم که از طریق اُجرتِ نخ ریسی به مجاهدین کمک کنیم. همچنین برای مداوای مجروحان وسایل و دارو همراه خود داریم، علاوه بر این تیر حمل می کنیم و به مجاهدین می رسانیم."

پس از فتح خیبر وقتی آن حضرت مال غنیمت را تقسیم کردند سهم آنان رانیز دادند. (فروغ جاویدان ص ۵۰۹)

از آنچه گفتیم می توان نتیجه گرفت که زنان می توانند و باید در راه با سواد ساختن همجنسان خود تلاش ورزند و بدانند که با سواد شدن زنان به خیر اسلام و مسلمانان است و هیچ گونه مانع شرعی ندارد.

(۲) ایجاب و قبول ولی در نکاح مشروط است و دختر هنگامی که به بلوغ برسد می تواند آنرا فسخ کند بنا بر این زنان می توانند در راه ممنوعیت نکاح صغیر مبارزه کنند و این هیچ تبیینی با اسلام ندارد.

(۳) تعدد زوجات در اسلام جواز است ولی حکم نیست و چون نکاح بدون ایجاب و قبول طرفین ممکن نیست بنا بر این زنان می توانند برای از میان رفتن تعدد زوجات مبارزه و حتی در میان زنان تبلیغ کنند که زوجه دوم، سوم یا چهارم یک مرد نشوند.

(۴) زنان بر ضد لت و کوب شوهران جداً می توانند اعتراض کنند و در صورتی که آثار زدن در پیکر زن هویدا باشد قاضی می تواند آن شوهر را مجازات کند.

(۵) مردان عیاش و گرفتاران بلای الکول را زنان می توانند از عمل شان مانع شوند زیرا که عیاشی و الکول هر دو با آرامش و آسایش روحی زن و فرزندانش در تضاد است و زن حق دارد در یک محیط آرام و فارغ از درد سر زندگی کند.

شوهر مکلف است در امور خانه، مصارف خانه، جدا کردن طفلان از شیر و دیگر امور مربوط به خانه با همسر خود مشوره کند. من قبلاً آن شرایطی را که زن می تواند از شوهر تقاضای طلاق کند و یا از قاضی بخواهد که شوهر را به اجرای تمام تعهداتش وادار نماید.

بالاخره زنان می توانند در هنگام نکاح شرایط خاص خود را برای قبول نکاح و انحلال نکاح در صورت تخلف شوهر در نکاح خط قید نمایند و آنرا به امضای شاهدان و آنکه خطبه عقد را جاری می کند برسانند و زنان بدون کدام مانع شرعی حق دارند که یک کاپی نکاح خط را با خود داشته باشند.

در حال حاضر مشکلات عمده زنان همین است. اگر قوانینی در جامعه وجود داشته باشد که از حقوق زنان پاسداری کند و مردان زن ستیز را در حصار قانون بگیرند مشکلات زنان برطرف می شود اما برای من یک معیار معنوی نیز وجود دارد و آن اینکه پیامبر(ص) محبت خود را نسبت به زنان در چندین مورد بیان کرده است و آنان که پیرو او استند نمی توانند بر زن دست بالا کنند که پیامبر اکرم (ص) مسلماً از عمل شان ناراضی می شود. من در گذشته های دور یک ضرب المثل از یکی آموخته بودم که می گفت:

" خاتون بر ششه ششه نی اورسینگ سیدی" (زن یک شیشه است. شیشه را بزنی می شکند و اخیراً در سنن ابو داوود دیدم که این ضرب المثل نیز حدیث حضرت نبی کریم (ص) است.

این بحث را من در همین جا خاتمه میدهم. امیدوارم این سلسله یادداشت ها مخصوصاً برای زنان مفید باشد. باعرض حرمت و ارادت. ۱۳ آگست ۲۰۱۵ برمنگهم نگارگر